



مردی که تابغہ جنگ بود

درباره شهید سپهبد محمد حسین باقری

به نشان‌های افتخار روی سینه‌اش که نگاه می‌کند،
چهار نشان را می‌بینی: یک نشان فتح درجه ۱ که بالاتر از
همه نشسته. دو نشان فتح درجه ۳ که تک‌برگ فتح
در نوار قرمز رنگ وسط آن خودنمایی می‌کند. یک نشان
نصر درجه ۲ که شمسه شش‌پر نقره‌ای رنگی روی
پس زمینه گرمی آن می‌درخشد. به دست آوردن این
نشان‌ها کار راحتی نیست. میان فرماندهان ارتش و سپاه
کمتر کسی نشان فتح درجه یک را روی سینه دارد. این
نشان فتح به‌خاطر مسئولیت مهمی که در اطلاعات
و عملیات قرارگاه‌های کربلا و خاتم‌الانبیاء داشت به او
تعلق گرفت؛ به محمد باقری که محمد باقری نبود.

تا حدود بیست سالگی محمدحسین افشردی بود. وقتی وارد جبهه شد به‌خاطر اینکه دانشجوی مکانیک دانشگاه امیرکبیر بود، مهندس کاظم صدایش می‌کردند. در واحد اطلاعات عملیات فعالیت می‌کرد، کنار برادرش حسن باقری که او هم حسن باقری نبود؛ غلامحسین افشردی بود و نام مستعارش حسن باقری.

قرار نبود کسی بداند مهندس کاظم و حسن باقری با هم برادرند، اما شباهتشان کار دستشان می‌داد. هر تازه‌واردی هم بدون درنگ متوجه نسبت این دو نفر می‌شد؛ پس محمدحسین تصمیم گرفت نام مستعارش را مثل برادرش به باقری تغییر دهد.

مادرشان می‌گفت این دو برادر با همدیگر سه چهار تا کتابخانه داشتند. اهل مطالعه بودند و عمیق. از چیزی سرسری و سطحی نمی‌گذشتند...

همین هم باعث شد بعد از جنگ مباحث ژئوپلتیک را به‌طور جدی پیگیری کند. وقتی کف میدان جنگ با چالش روبه‌رو شد، سطحی نگذشت و تصمیم گرفت درجغرافیای منطقه عمیق شود تا آنجا که دکترای جغرافیای سیاسی گرفت و استادتمام این رشته شد؛ استاد دانشگاه دفاع ملی و عضو هیئت مؤسس انجمن ژئوپلتیک ایران!

سال ۱۳۹۵ بود که رهبر انقلاب، فرماندهی ستاد کل

نیروهای مسلح را به او سپردند تا این ستاد قرارگاهی برای روزهای جنگ باشد. روزهای سخت جنگ، روزهایی که محمد باقری تمام روز و شب‌های هشت سال از جوانی‌اش را در هوای آن تنفس کرده بود، بیداری و خستگی کشیده بود، یاد گرفته بود، تجربه کسب کرده بود، فرماندهی کرده بود و پیروزی‌ها و شکست‌ها دیده بود. حالا زمانش رسیده بود که فرماندهی ستاد کل نیروهای مسلح را به عهده بگیرد؛ قرارگاهی برای جنگ تا همه تجربیات و دانسته‌هایش را دوباره به میدان آورد. قرارگاه از نامش هم پیداست که باید در روزهای پراالتهاب جنگ محل قرارگیری باشد برای بازگرداندن آرام‌وقرار کشور.

در این سال‌ها، دیگر محمد باقری نه مهندس کاظم بود و نه محمد باقری اطلاعات عملیات؛ بلکه سرلشگری بود که مغز متفکر نظام دفاعی ایران نامیده می‌شد. او را دیگر نابغه دفاع صدا می‌زدند.

سرلشگر باقری خوب می‌دانست با تسلط به دانش ژئوپلتیک می‌توان در جنگ‌های مدرن دست برتر را داشت؛ پس با علمی که در این زمینه کسب کرده بود، در دوره نه‌ساله‌ای که فرمانده کل نیروهای مسلح بود، قدرت دفاعی نیروهای مسلح را ارتقا داد و برای روز جنگ آماده‌شان کرد، همان‌طور که فرمانده کل قوا از او خواسته بود.

او، محمدحسین افشردی، مهندس کاظم، سرلشکر پاسدار محمد باقری، نابغه دفاع، مردی بود که تمام عمر برای ایران جنگید و زمانی که دشمن بر طبل جنگ کوبید، اولین تیر، قلب او را نشانه گرفت.

او را نابغه دفاع صدا می‌زدند؛ چون خوب می‌دانست چطور باید از خاک و مردم وطنش دفاع کند. خوب می‌دانست زمین جنگ را چگونه بچیند که اگر روزی خودش هم نبود، ایران قطعاً پیروز میدان باشد.